

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

مسأله‌ی امام زمان و کسی که در آخر زمان ظاهر خواهد شد و دنیا را پر از عدل و داد می‌کند و احکام دین را دقیقاً اجرا می‌کند، تقریباً در همه‌ی ادیان الهی هست. حضرت موسی همین را فرموده، حضرت عیسی فرموده، پیغمبر فرمودند، ائمه هم همینطور، گفته‌اند. این از یک جهت، یک بحث تاریخی است. حالا آن را کنار بگذاریم و به خود دین اسلام مان برگردیم.

در خود اسلام داریم که در آخرالزمان کسی پیدا می‌شود که دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، تقریباً اکثریت قریب به اتفاق به این فرمایش پیغمبر معتقدند و می‌گویند صحیح است، این را خود پیغمبر فرمودند که در آخرالزمان کسی پیدا می‌شود که اسمش اسم من است و از فرزندان من است و... این کار را خواهد کرد. حالا اختلاف از آنجا پیدا شد که این فرزند پیغمبر که باید این کار را بکند، کیست. ما شیعیان علی علیه السلام می‌گوییم یکی از فرزندان و از نسل حضرت فاطمه خواهد بود (که ما شیعه‌ی اثنی‌عشری هم همین اعتقاد را داریم) ولی سایرین می‌گویند نه! سیدی خواهد بود که بعداً به دنیا می‌آید. در این اختلافی نیست که یکی پیدا می‌شود. اما یک عده‌ای اصلاً با این مخالفند. در مقابل این، عده‌ای دیگر می‌گویند که خیلی عجیب است که کسی اینقدر عمر کند ولی ما معتقدیم چون پیغمبر فرموده است، امام فرموده است، صحت دارد. بنابر این عقیده و بنابه فرمایش ائمه‌ی قبله، امام زمان یک وقتی ظاهر خواهد شد و اینقدر این دوران غیبت طول خواهد کشید که حتی خیلی‌ها از ظهور امام مایوس شوند، که عملاً می‌بینیم خیلی‌ها، در خیلی مکتب‌ها، مایوس شده‌اند از اینکه امامی زنده است و ظاهر خواهد شد، ولی ما می‌گوییم این طول کشیدن هیچ دلیل عدم وجود امام نیست و شاید برای این است که ما در زندگی به صبر و حوصله عادت کنیم و خودمان برای هرگونه همراهی با امام آماده بشویم. بنابراین امام زمان، از نظر ما شیعیان همین است. اما وجه مشترکی که ما با مخالفینش داریم، این است که آنها می‌گویند اعتقاد به امام زمان فقط از این نظر فایده دارد که امید در مردم ایجاد می‌کند و یأس به رحمت خداوند را که اگر شدید باشد به کفر می‌انجامد و اصلاً کفر است، از بین می‌برد، ولی ما می‌گوییم درست است این فایده را دارد ولی فقط برای این مسأله نبوده که خداوند این کار را کرده، بلکه خلقت جهان به این طریق است و بنابراین گو اینکه حضرت غایب است ولی ما نه در دوران غیبت، بلکه وقتی ظاهر بشود، با همین چشم او را خواهیم دید. اما فکرتان را به این مسأله زیاد مصرف نکنید که آیا می‌توانیم با این چشم بینیم یا نه؟ یکی از من پرسید: آقا امام غایب پس در کجا هستند؟ گفتیم که نه من می‌دانم و نه تو. اگر قرار بود ما

بدانیم که غایب نمی‌شدند، از دست من و تو غایب شده‌اند، اما بهتر این است که در این مسأله، توجّه زیاد مصرف نکنید، یقین بدانید اگر امام در این دوران بخواهد ظاهر بشود، اگر هم شما او را نبینید، امام خودش را به شما نشان خواهد داد؛ اگر یک مؤمنی در آفریقا باشد، امام خودش را به او می‌رساند و به او خبر می‌دهد. از این جهت نگران نباشید. از نظر دیگر هم امام که غایب شدند، یک مظهري در دل انسان‌ها گذاشته‌اند، یعنی همین مسأله‌ی امیدواری، و بنابر این ما می‌گوییم ظهور امام در عالم ظاهر و در عالم باطن، در عالم صغیر، همین است که وقتی دل شما به آن منبع امید متصل شد، چه امام در صورت ظاهر بشود و چه نشود، برای شما فرقی نمی‌کند، برای اینکه امام برای شما ظاهر شده است. لغتِ امام هم عربی است، یعنی پیشوا. در کشورهای عربی که زبان عربی دارند، همه‌ی پیشوایان‌شان را امام می‌گویند. مثلاً می‌گویند امام موسی صدر یا امام شافعی، امام مالکی، یا امام... منتها، ما شیعیان معتقدیم که حرف هیچکس، جز دوازده امام، برای ما حُجّیت ندارد، یعنی فقط حرف امام هست که دیگر در موردش فکر نباید کرد و باید اجرا کرد. ولی این فقط در حقّ امام معصوم است. و تنها او می‌تواند پیشوای ما باشد. این است که لغت امام در فارسی هم آمده است. در فارسی مثلاً کتاب‌های قدیم هرگز نمی‌نوشتند امام علی. حالا امام علی متداول شده است. به لغت هم زیاد پایبند نباشید. زیاد فکر لغت نکنید. ان‌شاءالله خداوند ما را در هر مورد از لغت و ظاهر به معنی هدایت کند تا در پوسته‌ی لغت نماییم و به معنی برسیم. ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه ۱۳۹۰/۲/۳۱ جلسه خواهران ایمانی)



زن و مرد باید به این نکته توجّه کنند که وقتی ازدواج کردند هیچیک از وظایفشان ساقط نمی‌شود بلکه وظیفه‌ی جدیدی بر آن اضافه می‌شود. خدا در واقع فرموده است که در مقابل وظیفه‌ی جدیدی که داده و زحمت را به گردن طرفین، هم مرد و هم زن گذاشته، اجری هم تعیین نموده و گفته: **وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً** (روم، ۲۱)، آن مودّت و رحمتی که بین اینها هست مزد آن است. به هر جهت وظایف را رفتار نکنند این مودّت و رحمت را هم خدا نمی‌دهد و پس می‌گیرد. بنابراین زنهار، من به جوان‌ها توصیه می‌کنم که هیچکدام از وظایف را فراموش نکنند، اگر کسی در راه خیر به دیگری کمک کند از آن خیر سهم دارد. چون این وظیفه از خانم‌ها برمی‌آید و البته خیلی خوب هم برمی‌آید. خانم‌ها باید به همسران خود کمک کنند که همه‌ی وظایف شرعی را خوب انجام دهد، نه اینکه اذیت کنند که مثلاً برای نماز باید بلند شوی، بلکه باید به اندازه مراقبت کنند. چند نوع شکایت رسیده که پسر ما خیلی خوب بود و به ما می‌رسید، از وقتی زن گرفته دیگر نمی‌رسد. یادم رفته یا از حضرت صالح‌علیشاه شنیده‌ام یا مادرم که گفتند پدر و مادرها را خوب می‌شود گول زد؛ چون فرزندان همین که سلام گرم و نرمی کنند تمام است. به همین اندازه که به همسران کمک کنید که او هر روز صبح به پدر و مادرش سلام کند، شما اجر دارید. من خودم به بعضی مردها توصیه می‌کردم که هر روز صبح برو به مادرت

سلام کن و حال آنکه مادرش را شخص صحیح و خوبی نمی دانست. به همین اندازه که کمک به همسرانتان کنید که این وظیفه را بتواند انجام دهد شما در ثوابش شریک هستید. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح یکشنبه ۱۳۹۰/۳/۱)



خیلی‌ها اظهار طلب می کنند یا مشرف هستند و می گویند ما لیاقت نداریم. البته این حرف از لحاظ شکسته نفسی خوب است که واقعاً هر کس توجه به نقص خود بکند. اما از آن طرف یکبار مثال زدیم، درویشی به اصطلاح مثل «کارواش» انسان هاست. یک ماشین خیلی کثیف و با گل ولای وارد کارواش می شود، از آن طرف تمیز و قشنگ درمی آید. درویشی باید اینطوری باشد. حالا اگر در موردی نمی شود یکی نقص من درویش و دیگر نقص من است که خدا مرا ببخشد. ولی عمده، نقص خود شخص است که می آید کارواش و باید این دکمه را بزند بعد آن یکی را بزند و کاری کند ولی تماشا می کند. اصلاً فکر نمی کند اینجا کارواش است و برای چه آمده.

مسأله‌ی دیگر اینکه یکی ایراد گرفته و ایراد او منطقاً قابل بحث است که شما می گوید همه باید بیعت کنند، پس چرا در مورد کسانی که می آیند طلب می کنند همه را قبول نمی کنید و بعضی‌ها را رد می کنید؟ به صورت ظاهر از خارج که نگاه کنید پرسش درستی است. اما تفاوت این است که هر چند هر کسی که به این کارواش می آید باید در را باز کنیم و آماده باشیم، اما اگر یکی می آید و می خواهد کارواش را خراب کند یا کسی می آید می خواهد پس فردا تعریف کند که من هم اینجا رفته‌ام و خبری نبود (ولی برای او خبری نبوده است) باید مطمئن بشوم کسی که می آید می فهمد اینجا کجاست و برای چه می آید. یکی رد می شود، گرسنه است، می خواهد رستوران برود می بیند در کارواش باز است می آید داخل. اینجا رستوران نیست، کارواش است. باید بداند برای چه می آید. این است که درجه‌ی خلوص نیت گاهی مخلوط می شود. اینطور است که یکی می گوید سرگشته‌ام، گیجم، طالبم، این خالص است ولی اینجا برای درمان سرگستگی نیست. باید بداند دواى او این است و بگوید دواىی به من بدهید تا به او بدهند. باید بداند کجا می آید. نه برای تفریح و مشغول شدن خود و.... چنین شخصی چون خلوص نیت دارد حیف است که گم بشود، منتها باید خودش دقت کند و نقص خود را جبران کند و بفهمد که اینجا هدف است.



مدتی جامعه اینطور بود، مردی که می توانست، دو یا سه زن می گرفت و او را مسخره نمی کردند اما حالا نظر مردم و عرف مردم این را بد می داند. اگر بگویند مردی دو زن دارد به نظر تحقیر به او نگاه می کنند به همین دلیل است که تعدد زوجات خیلی کم شده است. در کلاس درس حقوق هم همین را گفتیم (ببخشید من نمی دانم درس فرهنگ می دهم یا درس حقوق یا درس عرفان ولی همه چیز درس عرفان است. اگر همه‌ی مطالب را آنهایی که اهل عرفان هستند درک کنند خودشان جامعه را به روش عرفانی اداره می کنند). اما حالا این را خیلی بد می دانند، و طلاق در قدیم

آنقدر بد شمرده می‌شد که در کتاب‌ها هم نوشته‌اند که عبارت زن طلاق یک فحش بود. کسی که می‌خواست به خودش فحش بدهد یا بگوید این کار را نمی‌کنم، می‌گفت: زن طلاق باشم اگر این کار را بکنم. آنقدر بد بود. حالا طوری شده که پس از اینکه عقد می‌کنند، عروسی نکرده طلاق می‌گیرند. سیانور هم که سمّ کشنده‌ای است در بعضی بیماری‌ها به کار می‌رود و مقدار کمی از آن را تزریق می‌کنند. طلاق هم مثل سیانور است باید باشد، نمی‌شود گفت طلاق محو شود و اصلاً اجازه ندهند. ولی نه اینطور که حالا هست. می‌گویند قانون چرا راجع به کودک‌آزاری و فلان مسأله چیزی نمی‌گوید؟ قانون نباید بگوید، خودمان باید با فرهنگ‌مان درست کنیم. به اصطلاح گریزی به صحرای کربلا بزنیم (ما گریزمان به مسائل عرفانی است) در مورد همین کودک‌آزاری، عرفان می‌گوید:

آنکه جان بدهد، اگر بکشد رواست      نایب است و دست او دست خداست

خداوند اختیار آزادی و جان و راحتی را دارد. خداوند گفته است از بچه‌ها مواظبت کنید، بنابراین خلاف این خلاف گفته‌ی خداوند است. البته خدای نکرده فرزند بد و تربیت نشده و... خودش بالاترین مجازات برای پدر و مادر است. ما نباید منتظر قانون باشیم، قانون چیست؟ چند نفری که اصلاً دلشان برای من نمی‌سوزد برای من قانون نوشتند و من هم اطاعت آنها را می‌کنم. ولی اگر حاکم درونی خودمان، اخلاق و عرفان باشد، با کمترین قانون هم می‌توانیم در جایی که قانون هم نباشد و هیچکس هم نداند، جرمی نکنیم؛ ولی اگر غیر از این باشد هزار قانون هم بنویسند از زیرش در می‌رویم و کلاه سرش می‌گذاریم. این است که منتظر قانون در هیچ کاری نباشید. بروید دنبال عرفان، از لحاظ حقوقی اسمش عرف است. از لحاظ معنا دنبال عرفان باشید. هر کاری که بد شناختید به هر جهت از آن دوری کنید. در قرآن هم گفته **الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ** (بقره، ۳) و جایی گفته در غیب از خدا می‌ترسند، یعنی وقتی هیچکس نیست از خدا می‌ترسند و احساس می‌کنند که اگر هم کسی نیست خدا هست. ان شاء الله خدا هم فرد فرد ما را از این گرفتاری‌ها، و بعد جامعه‌ی ما را هم از همه‌ی این کج‌فهمی‌ها نجات بدهد. ان شاء الله (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح چهارشنبه ۱۳۹۰/۳/۴)

**بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (محبوب علی‌شاه) شامل جزوات گفتارهای عرفانی (بیانات جلسات صبح) / شرح رساله شریفه پندصالح (تلفیق دو دوره آغاز شده در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۶ / شرح فرمایشات حضرت سجاد علیه السلام (شرح رساله حقوق) / شرح فرمایشات حضرت صادق علیه السلام (تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه) / جزوات موضوعی (استحاره، خانواده و اختلافات خانوادگی و علل عمده، حقوق مالی و عشریه، رفع شبهات با کزیده‌هایی از بیانات) / مکتب عرفانی (مجموعه پانچ به نامه‌ها) / مجموعه دستور العمل‌ها و بیانیه‌ها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / گفت‌وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها، عرفان در کار اداری، سلوک عرفانی در دوره مدرن) منتشر شده است.**

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت [WWW.JOZVEHI21.COM](http://WWW.JOZVEHI21.COM) اقدام فرمایید.